

دکتر نسرين علی اکبری

استاديار دانشگاه كردستان

طاهره کوچکیان

دانشگاه پیام نور اسلام آباد

«سالهای ابری» در نگاهی نو (اتوبیوگرافی - رمان)

چکیده

ادبیات، چه به عنوان یک علم و چه به عنوان هنر، شعب و گونه‌های گوناگونی را شامل می‌شود که این انواع در تقابل و ارتباط با یکدیگر نظامهای نوینی را تشکیل می‌دهند و با محتوا و فرمهای گوناگون به صورت انواعی تازه و مستقل شکل گرفته و عرضه می‌شوند. رمان یکی از گونه‌های ادبیات است که انواع گوناگونی را شامل می‌شود و محدوده و انواع آن تا حدی مشخص و تعریف شده است. اتوبیوگرافی نیز گونه‌ای دیگر از دانشهای ادبیات است که آن نیز ویژگیها و مختصات تعریف شده مختص به خود را دارد. قابلیت‌های بسیاری در انواع ادبی و ارتباط آنان با یکدیگر وجود دارد که یکی از این تواناییها ترکیب انواع با یکدیگر و آفرینش نوعی مستقل از این ترکیب است. یکی از مصداقهای این تلفیق (ترکیب انواع) «اتوبیوگرافی - رمان» است که از ترکیب دو نوع رمان و اتوبیوگرافی پدید آمده است.

سالهای ابری اثر علی اشرف درویشیان از سویی، تا حدودی دارای ویژگیهای نوع رمان است که بیشتر در فرم اثر نمود یافته است و از سوی دیگر، از شاخصه‌های نوع اتوبیوگرافی بی بهره نمانده است که آن هم بیشتر در محتوای اثر جلوه پیدا کرده است. این مقاله بر آن است که اثر مذکور را نه به عنوان رمان، بلکه در قالب اتوبیوگرافی - رمان معرفی نماید.

کلید واژه‌ها: سالهای ابری، درویشیان، اتوبیوگرافی، رمان، اتوبیوگرافی - رمان.

مقدمه

سالهای ابری، به عنوان رمان، تاکنون بارها مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.^۱ با این نگاه، از سویی، برخی منتقدان این اثر را به دلیل فقدان تکنیکها و روشهای نوین رمان، تک بعدی و یک معنایی بودن متن؛ مبتذل و گاه فاقد ارزشهای داستانی می‌دانند و از دیگر سو، برخی آن را به دلیل صداقت،

آزادیخواهی، مردم گرایی، روح مبارزه جویانه، تأثیرگذاری بالای آن و دید تیزبین نویسنده در برخورد با مسائل و مشکلات طبقات فرودست جامعه قابل ستایش و ارزشمند می‌دانند.

سالهای ابری به عنوان نوعی رمان اجتماعی، از لحاظ فاکتورهای رمان، ضعفهای قابل توجهی دارد و در این صورت این مسأله مطرح می‌شود که نویسنده مطابق خواست درونی اش می‌توانست هم ساده بنویسد و واقعیتها را بازگو کند وهم از عنصر خلاقیت، ابزار هنری رمان و صناعات ادبی بهره بیشتری بجوید؛ اما قدرت تأثیرگذاری، استحکام و انسجام اثر و تعهد اجتماعی، روح آزادی خواهی و مردم مداری آن، منتقد را به تفکر وامی‌دارد که جستجوگر زیباییهای نهفته، اما تأثیرگذار این اثر باشد. در نهایت باید گفت، *سالهای ابری* جایگاهی مناسب در ادبیات محتواگرا و مردمی ما دارد؛ اما نه در نوع رمان! *سالهای ابری* در قالب رمان به مفهوم امروزی نواقصی دارد که اگر چه این کاستیها در سایه محتوای اثر کم رنگ می‌شود، اما به هر حال وجود دارند و از ارزش آن می‌کاهند.

از نگاه دیگر، اگر *سالهای ابری* به عنوان اتوبیوگرافی محض معرفی شود، بسیاری از شاخصه‌های رمانی اثر در زیر سایه این عنوان نمود نمی‌یابد و باز بسیاری از ارزشهای آن نادیده گرفته می‌شود. بنابراین می‌توان *سالهای ابری* را مستقل از ملاکهای ضابطه‌مند رمان قرارداد، آن را به عنوان اثری مستقل و دارای ویژگیهای شخصی و با شناسنامه‌ای فردی معرفی کرد. *سالهای ابری* اثری از نوع «اتوبیوگرافی - رمان» است که درویشیان در آن بیوگرافی زندگی خویش را همراه با شاخصه‌های رمانی بیان داشته است و با اصالت دادن به زندگی خود و اجتماع اطرافش و نگاهی دوم به هنر - هنر ادبی - صریح و عربیان، هم درد و هم صدا با طبقات پایین جامعه سخن گفته که وی از آنان است و برای آنان می‌گوید. هنر درویشیان در کاربرد صناعات ادبی و تکنیکهای داستانی و کاربرد خیال نیست؛ بلکه هنر شاخص وی نگاه اوست به چیزهایی که آن قدر نزدیک و ملموس است که بسیار دور به نظر می‌آیند. بازگو کردن واقعیاتی که فراتر از تخیل در حال زیستن‌اند و در روح و ذهن جامعه حضور دارند. به قول لوکاج: «اصل هنر دقیقاً در نابترین حالت خود مجموعه‌ای از جنبه‌های اجتماعی، اخلاقی و انسان محورانه را در بر می‌گیرد.» (لوکاج، ۱۳۸۱: ۱۵) و حضور اجتماع در *سالهای ابری* و تفکرات انسان مدار وابسته به زندگی راوی این هنر را در رمان مذکور خلق می‌کند.

سالهای ابری و نوع ترکیبی «اتوبیوگرافی - رمان»

انواع ادبی یکی از دانشهای ادبیات است که در آن آثار ادبی از لحاظ ماده و صورت به دسته‌هایی محدود و مشخص طبقه بندی می‌شوند. در کتاب *نظریه ادبی* آمده است: «نوع ادبی عبارت است از گروه بندی

آثار ادبی که از لحاظ نظری مبتنی بر شکل بیرونی (بحر و ساختمان خاص) و نیز شکل درونی (نگرش، لحن و با تسامح موضوع مخاطب) است، «ولک/وارن، ۱۳۷۳: ۲۶۶». هر منتقد برای دست یافتن به درکی کامل و جامع از یک اثر و ارائه نقدی سره از آن، لازم است اثر را در بافت و ساختار ویژه آن مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. به بیان دیگر، در مطالعه هر اثر ابتدا باید نوع آن مشخص شود تا با قرار دادن اثر در نوع ادبی شناخته شده و جامع آن بتوان سنجشی دقیق و منصفانه تر ارائه داد.

دیرینه ترین دسته بندی در انواع ادبی، تقسیم ادبیات به دو دسته نظم و نثر است که هر کدام از این دو دسته اجزا و گونه‌های متعددی را شامل می‌شود. در قالب نثر - که اینجا مد نظر نگارنده است - هنوز طبقه بندی دقیق و ضابطه مندی صورت نپذیرفته است. برای نمونه، امروزه عنوان رمان بر دسته وسیعی از آثار اطلاق می‌شود که همه آنان با وجود ویژگیهای متفاوت، رمان شناخته می‌شوند، حتی برخی از این آثار با قرار گرفتن در زیر مجموعه این نوع ادبی خاص، ساختار و کلیت آنان محدود شده و بسیاری از نقاط قوت و ضعف آنها ناشناخته باقی می‌ماند.

هر کدام از این دو نوع - نظم و نثر - در دامنه خویش، امکانات و مجالهای متعددی را شامل می‌شود. از یک سو، هر نوع ادبی خود زیر مجموعه‌هایی را در بر می‌گیرد، برای نمونه نوع رمان از زمان پیدایی تاکنون در صورت و ماده چه در زمینه ساختار و بیان و چه از منظر محتوا تغییراتی را پذیرا بوده و انواع گوناگونی از آن به ظهور رسیده است؛ از جمله: رمان تاریخی، رمان بومی و محلی، رمان نظری، رمان پرورشی، غیر تخیلی، اعترافی و... از دیگر سو، باید گفت نوعهای ادبی این قابلیت را دارند که از تلفیق چند گونه با یکدیگر نوع جدیدی را به ظهور رسانند که آن گونه تولد یافته در عین آن که ویژگیهای دو نوع مبنا را داراست خود نیز نوعی مجزا و مستقل محسوب می‌شود. در واقع باید گفت هر نوع ادبی مستقل از ویژگیها و کارکردهای خویش می‌تواند در کنار انواع دیگر ساختاری نو عرضه نماید. نمونه وار به برخی از انواع نوپیدا مانند: تراژدی - کمدی، غزل - مثنوی، رمان - خاطره و زندگینامه - رمان و... می‌توان اشاره کرد.

بیوگرافی، اتوبیوگرافی و رمان، داستان کوتاه نوعهای مستقلی هستند که ساختارهای مختص به خود را دارند و از تلفیق هر کدام از آنها با دیگری می‌توان نوعی مستقل و نو مانند «اتوبیوگرافی داستان وار»، «بیوگرافی - رمان»، «اتوبیوگرافی - رمان» یا «حسب حال روایت مدار» - که در واقع گونه‌های متعدد یا همسان این ترکیب محسوب می‌شوند - پدید آورد.

اتوبیوگرافی - رمان نوعی است که در آن خاطرات، تفکر و داستان با هم درآمیخته اند. نوعی که نویسنده با بیان مختصاتی از زندگی، شخصیت و اندیشه خود و با استفاده از شگردهای روایی و ابزار

داستانی در کنار حوادث تاریخی اثر خویش را پیش می‌برد. نویسنده در این نوع ادبی هیچ تعهدی برای اجرای تمامی شگردها و عناصر داستان نویسی ندارد. در اتوبیوگرافی - رمان، فرد و تاریخ در کنار هم قرار می‌گیرند. در این نوع اثر، عنصر تخیل کمتر نمود می‌یابد و ما شاهد بیشترین تطابق با واقعیت هستیم. نویسنده پشت چهره قهرمان می‌ایستد و زندگی خود را در قالب او تصویر می‌کند. نویسنده به زندگی قهرمان خود متعهد است و در نتیجه به ایجاد حس هم ذات‌پنداری در خواننده کمک می‌کند.

نوشتن داستانهای اتوبیوگرافیک از اوایل قرن هفدهم آغاز شد و در طول قرن هجدهم بر شمار نویسندگان و نوشته‌های آن افزوده گردید. در این قرن، آثاری منتشر شد که تلفیقی از رمان و زندگی نامه بود. از آثاری که در این زمینه ارائه شد می‌توان *رابینسون کروزوئه* اثر دانیل دفو (۱۷۱۹) و *سفر احساساتی* اثر لارنس اشترن (۱۷۶۸) را نام برد. از دیگر نمونه‌های آن می‌توان «چهره مرد هنر مند در جوانی» اثر جیمز جویس، «در جستجوی زمان از دست رفته» اثر مارسل پروست، «مرد اول» اثر آلبر کامو، «دانشکده‌های من» اثر مارکسیم گورکی، «زندان» اثر سرگنی دولاتف و «در دل گرد باد» اثر گیناگیتز گینزبرگ را نام برد و از نمونه‌های فارسی می‌توان به «زمین سوخته» اثر احمد محمود، «روایت» اثر بزرگ علوی، «شما که غریبه نیستید» اثر هوشنگ مرادی کرمانی و «سالهای ابری» اثر علی اشرف درویشیان اشاره کرد.

سالهای ابری اثر علی اشرف درویشیان از لحاظ فرم با قالب *اتوبیوگرافی* - *رمان* منطبق است و از نظر ساختار معنایی می‌توان آن را در ردیف آثار رئالیسم سوسیالیستی به شمار آورد. بسیاری از آثار رئالیسم سوسیالیستی در قالب بیوگرافی یا اتوبیوگرافیهای داستان وار به رشته تحریر درآمده‌اند. در واقع تلفیق این انواع ادبی به همراه گرایشهای سیاسی و مردم مدارانه، محدوده سبکی مشخصی را به وجود آورده است که نویسنده در آن با استفاده از زندگی خود یا قهرمان اصلاح گر و انسان مدار جامعه و به کارگیری شگردهای داستانی، اثر خود را خلق می‌کند. هر نوع ادبی متأثر از ساختار اجتماعی زمان خود است. مانسکی در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی محتواها، مرحله‌ای در جامعه ادبیات معاصر» به بحث جامعه شناسی انواع اشاره می‌کند: «فضای عقیدتی که می‌کوشیم برای مجموعه‌ای از آثار تعیین کنیم در انواع مختلف ادبیات تفاوت می‌یابد و هر نوعی پاسخی خاص را به مسئله‌ای معین می‌دهد... این پاسخهای متفاوت و کارکرد هر نوع - یعنی نحوه خاص برخورد به یک مسئله - را می‌سازند. همین سؤال خاص برای ما حکم ویژگی هر نوع است.» (مانسکی، ۱۳۷۳، ص ۲۷۴) پیروان رئالیسم سوسیالیستی نیز در پی آن بودند که کامل ترین مصالح ممکن را گردآوری کنند تا بتوانند مسائل دوران خود را به بهترین نحو ممکن نشان دهند و به دنبال راه حل برای آن باشند. اغلب آنها با اتخاذ نوعهای برگرفته از تلفیق زندگی

نامه و داستان و جهان بینیهای مشخص خود، سبکی برای بیان نمودارترین ویژگیهای زمانه و اندیشه خود در قالب این آثار یافتند.

رتالیسم سوسیالیستی پس از واقع گرای انتقادی شکل گرفت. رتالیسم سوسیالیستی، ادبیات مردمی است که شرایط آن در اتحاد شوروی سابق فراهم گردید. در این دوره است که وحدت فرد و اجتماع به ظهور رسید و این وحدت، زمینه شکل گیری این نوع ادبی را فراهم ساخت. نویسندگان پیرو این مکتب با توجه به مفاهیم مورد قبول در قالب اتوبیوگرافی، بیوگرافی و رمان، داستان کوتاه و با تلفیق آنها با یکدیگر به ساختن نو دست یافتند. ماکسیم گورکی به عنوان بزرگترین نویسنده این مکتب مورد توجه بسیار نویسندگان این حوزه قرار گرفت. لوکاج در مورد او می گوید: «گورکی را نگارنده بزرگ تاریخ اجتماعی روسیه پیش از انقلاب شناخته اند، چرا که او گرایشهای در حال تکامل مترقی سرنوشت ساز را در هر بخش جامعه روسیه درک کرد.» (لوکاج، ۱۳۷۳: ۲۵۰). ماکسیم گورکی از نویسندگانی بود که به مردم و نیروهای بالقوه آنان آگاهی و باور داشت: «ایشان مرا ناگزیر ساختند که به ستایش و تعجب بگویم: این زمین انسانی دارای چه قوه توانایی می باشد.» (گورکی، بی تا: ۴۴) و با خلق آثارش به بارورسازی این زمین انسانی کمک شایانی کرد. در اثر «تاریخ رتالیسم» به برخی از مؤلفه های معنایی این مکتب در آثار پیروان آن اشاره شده است؛ از جمله آنان: مردم گرایی، ترسیم علل و عوامل تنزل و تحقیر انسان، بیان ساده و روزمره زندگی به عنوان جزئی از نظام حاکمه، ترسیم آشفته گی، تضادها و بی عدالتیها به عنوان عوامل نهایی انهدام رنجهای بشری، خلق تصاویر از مردم فقیر و رخوت زده و نیز کسانی که در جهت مبارزه برای آزادی پیکار می کردند (قهرمان)، انسان گرایی (فعالیت در جهت رفاه انسانها و آزاد کردن انسان از هر رنجی)، نشان دادن مظاهر شخصیت انسانی، ذکر سرگذشت های بی شمار، نشان دادن تضادهای زندگی، تجسم تاریخ در لحظه های خودآگاهی توده ها، نشان دادن مبارزه طبقاتی و نتایج حاصل از آن، نمود عینی تکامل اجتماعی، حرکت تاریخی و پیامدهای آن، نشان دادن ارزش والای کار کردن و تولید، شناخت جریانهای مؤثر در جامعه، ارتباط فرد و اجتماع، ارتباط تاریخ و اجتماع، تصویر فقر عریان و محکوم کردن نظام حاکمه (سرمایه داری) نه فرد.

رتالیسم سوسیالیستی در ادبیات ایران با نفوذ جهان بینی سوسیالیستی شکل گرفت. نویسندگان بسیاری به طور مستقیم یا غیر مستقیم با تأثیر از این جهان بینی فکری به نوشتن آثار خود پرداختند که از جمله می توان به: جلال آل احمد، بزرگ علوی، احمد محمود، علی محمد افغانی، منصور یاقوتی، امین فقیری، صمد بهرنگی و علی اشرف درویشیان اشاره کرد. درویشیان با توجه به شرایط حاکم بر جامعه و نیز تحت تأثیر آثار ماکسیم گورکی، به خصوص دو رمان «مادر» و «دانشکده های من» دست به نگارش

داستانهای خویش زد. وی به شرایط وحشتناک زندگی طبقات فرودست دوران خود آگاهی داشت و بر آن بود تا با خلق آثارش به روشن سازی اذهان مردم عصرش کمک کند. درویشیان در آثارش به دنبال تلطیف روح و لذت مخاطب خویش نیست، او می‌خواهد به خواننده خود نشان دهد که نزدیک وی - چه زمانی، چه مکانی - چه روی می‌دهد. او می‌خواهد تلنگر بزند به چشم، روح و فکر مخاطب. گلدمن معتقد است: «آفرینش نه آنکه بازتاب آگاهی جمعی باشد، یا تنها به ضبط واقعیت بپردازد، بلکه با آفرینش جهان پندارگونی که ممکن است محتوایش با محتوای آگاهی جمعی به کلی متفاوت باشد، ولی ساختارش همگون و حتی هم ارز ساختار این آگاهی است، باید به مردم کمک کند که از خود، گرایشهای عاطفی، اندیشگانی و عملی خود آگاهی یابند.» (گلدمن، ۱۳۶۹: ۱۰۸) درویشیان در *سالهای ابری* در کنار زندگی خویش به ترسیم واقع گرایانه شخصیتها و بیان صادقانه و دقیق محیطی که عامل تضادهای اخلاقی آنها به شمار می‌رفت، پرداخت و با ترسیم زندگیهای متعدد همراه با عواطف، اندیشه و باورهای مردم توانست تأثیرگذاری آگاه سازانه‌ای بر مخاطب خویش بگذارد.

درویشیان در آثار کوتاه و بلند خود به نوعی به مفاهیم و ساختار رئالیسم سوسیالیستی توجه نمود. *سالهای ابری* در واقع منشور تکامل یافته آثار و افکار درویشیان و نماینده این نوع ادبی در این مکتب به شمار می‌رود. عنصر زندگی نامه نوشت در آثار درویشیان نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند، چنانکه می‌توان دو عنصر زندگی نامه نوشت و داشتن گرایشهای سیاسی و توجه به مؤلفه‌های معنایی رئالیسم سوسیالیستی را از ویژگیهای سبکی درویشیان دانست که از وجوه مشترک ماکسیم گورکی و درویشیان نیز به شمار می‌رود. در نهایت بایستی یادآور شد که وجوه مذکور مشخصه مشترک غالب نویسندگان با گرایش فکری سوسیالیستی است. سالهای ابری - اثر بلند درویشیان - در عین حال که شرح زندگی خود نویسنده است، دارای مشخصه‌های نوع رمان نیز هست. درویشیان در این اثر، از عوامل موجود در دو قالب رمان و اتوبیوگرافی - خودآگاه یا ناخودآگاه - بهره جسته و اثری زیبا، تعهد مدار و تأثیرگذار خلق کرده است. در واقع او یک نوع می‌آفریند که در آن نویسنده قدرت آن را دارد که با اعتراف به رویدادهای زندگی خویش و نگاه به محیط و جامعه‌اش و با توجه به ویژگیهای رمان ساز، اثری جذاب، واقعی و پذیرفتنی به ظهور رساند.

علی اشرف درویشیان و آثارش

علی اشرف درویشیان در سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ در کوچه علاقه بندان، نزدیک تیمچه ملاعباسعلی، در شهر کرمانشاه متولد شد. پدرش، اسا سیف اله، آهنگر بود. درویشیان در سال ۱۳۳۵ به دانشسرای

مقدماتی رفت، سپس به مدت چند سال در شهرستانهای گیلانغرب و اسلام آباد به شغل معلمی پرداخت. همزمان در دانشسرای عالی تهران در رشته مشاوره و راهنمایی و در دانشگاه تهران در رشته روانشناسی تربیتی ادامه تحصیل داد و در هر دو رشته موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد گردید.

درویشیان در صحنه سیاست حضوری فعال داشت. در تابستان ۱۳۵۰ به خاطر فعالیتهای سیاسی و نوشتن مجموعه داستانهای «از این ولایت» دستگیر شد. خود در این باره می‌گوید: «پس از هشت ماه آزاد شدم و دو ماه بعد دوباره در تهران دستگیر شدم و به هفت ماه زندان محکوم شدم؛ از شغل معلمی منفصل و از دانشگاه اخراج شدم. بار سوم در اردیبهشت ۱۳۵۳ دستگیر و به یازده سال زندان محکوم شدم در حالی که سه ماه بود ازدواج کرده بودم. در آبان ماه ۱۳۵۷ با انقلاب مردم ایران از زندان بیرون آمدم.» (درویشیان، ۱۳۸۱: ۲۰۰). او اکنون بعد از گذشت سه دهه از آزادی همچنان به افکار، عقاید و مردمش پایبند است و به عنوان نویسنده‌ای متعهد، به کار نگارش خویش ادامه می‌دهد.

علی اشرف درویشیان یکی از نویسندگان مطرح دهه‌های اخیر در زمینه داستان نویسی است. وجدان بیدار، تعهد اجتماعی، مردم خواهی و اصالت دادن به محتوا او را به نویسنده‌ای محتواگرا، مردمی و تعهد مدار بدل کرده است. وی هنر را تنها در زیبایی بیان، فرم اثر و به کارگیری تکنیکهای نو نمی‌داند؛ بلکه وسیله‌ای می‌داند برای بیان زشتیها و لایه‌های ناپیدای جامعه و برای اصلاح و زیبا ساختن آن. در واقع تأثیرگذاری و حقیقت‌نمایی دو بعد مهم سالهای ابری به شمار می‌رود؛ حقیقت‌نمایی آنچه که هست و تأثیر گذاری برای آنچه که باید باشد.

سالهای ابری اثر بلند درویشیان در سال ۱۳۷۰ از طریق انتشارات اسپرک در ۴ جلد منتشر شد. این رمان، داستان زندگی پسری است به نام شریف که در خانواده‌ای فقیر در کرمانشاه به دنیا آمده است. شریف داستان زندگی خویش را از حدود ۵-۶ سالگی روایت می‌کند. از سرگذشت پدر و مادرش می‌گوید، از زندگی خواهرها و برادرهایش و همزمان شخصیتها و حوادث را وسعت می‌بخشد. از همسایه‌ها، همکلاسیها و هم مدرسه‌ایها، هم دانشگاهیها و هم بندهایش می‌گوید و سرنوشت آنها را حکایت می‌کند و در کنار سرگذشت این شخصیتها بی شمار، ساختار مسلط بر طبقات زیرین جامعه را نیز بازگو می‌سازد. تا کنون از درویشیان آثار بسیاری در زمینه‌های گوناگون و با موضوعاتی اجتماعی و مردمی به چاپ رسیده است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

از این ولایت (داستانهای کوتاه، ۱۳۵۲) - *آبشوران* (داستانهای کوتاه، ۱۳۵۴) - *فصل نان* (داستانهای کوتاه، ۱۳۵۷) - *همراه آهنگهای بابام* (داستانهای کوتاه، ۱۳۵۸) - *درستی* (داستانهای کوتاه) - *سلول ۱۸* (رمان، ۱۳۵۹) - *قصه‌های بند* (داستانهای کوتاه) - *سالهای ابری* (رمان، در چهار جلد، ۱۳۷۰) - *ابر سیاه*

هزارچشم (کودکان و نوجوانان) - گل طلا و کلاش قرمز (کودکان و نوجوانان) - روزنامه دیواری مدرسه ما (کودکان و نوجوانان) - کی بر می‌گردد داداش جان؟ (کودکان و نوجوانان) - رنگینه (کودکان و نوجوانان) - آتش در کتابخانه بچه‌ها (کودکان و نوجوانان) - افسانه و منتهای کردی (فرهنگ عامه، دو جلد) - کتاب بیستون (جنگ ادبی و فرهنگی، شماره اول) - بررسی ادبیات کودکان و نوجوانان (جنگ ادبی و فرهنگی، سه شماره) - کتاب کودکان و نوجوانان (جنگ ادبی و فرهنگی یازده شماره) - مقالات (مجموعه مقالات) - صمد جاودانه شد (مقاله درباره زنده یاد صمد بهرنگی) - روز اول تعطیلی (داستان مقاله) - برگزیده داستانها (داستانهای کوتاه) - فرهنگ گویش کرمانشاهی - از ندارد تا دارا (برگزیده داستانها) - فرهنگ افسانه‌های مردم ایران با همکاری رضا خندان مهابادی (در پانزده جلد) - برگزیده آثار صمد بهرنگی - خاطرات صفر قهرمانی - یادمان صمد بهرنگی - داستانهای تازه داغ (داستانهای کوتاه) - چون و چرا (مجموعه مقالات) - همیشه مادر و به امید باران (داستانی - معاصر کردی - ترجمه از زبان کردی)

سالهای ابری و رمان

در این بخش سالهای ابری به عنوان رمان، مورد نظر قرار گرفته می‌شود و با این دید به برخی از نقاط ضعف و قوت آن در این قالب اشاره می‌گردد.

رمان، روایتی است منشور و خلاقانه که دارای وسعت معینی باشد. کادن در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی خویش این محدوده معین را بنا به توافق اکثریت بین ۶۰ هزار تا حدود ۲۰۰ هزار کلمه می‌داند. (۴۳، چاپ اول، Cudden) فرهنگ هاری شا ۴۰-۳۰ هزار کلمه و بیشتر (فرهنگ هاری شاه به نقل از میرصادقی، ۱۳۶۷: ۲۴) و فورستر نیز در جنبه‌های رمان عنوان می‌کند که رمان نباید کمتر از ۵۰ هزار کلمه باشد (فورستر، ۱۳۶۹: ۳۳). رمان یکی از انواعی است که در آن فضا برای خلق و حرکت شخصیتها و حوادث باز و وسیع است و نویسنده این فرصت را می‌یابد تا طرح، درون مایه و عناصر داستانی خویش را با حوصله و تفصیل بیشتری در آن بگنجانند. در رمان، فضا برای خلق موضوعات متعدد در یک ارتباط منسجم با موضوع اصلی فراهم می‌شود. هر رمان دربردارنده پیرنگ، شخصیت، عمل، درون مایه، صحنه و کشمکش است که در آن گروهی از شخصیتها در صحنه مشخصی شرکت دارند و کنش و حوادث داستان را خلق می‌کنند. در ادامه به عناصر ساختاری رمان اشاره می‌گردد و سالهای ابری با توجه به این عناصر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

بنا به تعریفهای ذکر شده در مورد پیرنگ *داستان* به اجمال می‌توان گفت پیرنگ سیر علی و معلولی حوادث داستان است که بر حسب توالی زمانی مرتب شده اند و به طور جامع تر: «پلات را می‌توانیم وجود رابطه علی و معلولی میان حوادث، کنش و واکنش شخصیتها بدانیم...» (مندنی‌پور، ۱۳۵۸: ۱۲۹) حوادث در *سالهای ابری* بر روی یک خط جریان دارند و بر حسب توالی زمانی ترتیب یافته‌اند. هر حادثه‌ای حادثه بعد از خود را توجیه می‌کند و رابطه علی و معلولی بین حوادث و اجزا تا حدودی قابل قبول می‌نماید. هر چند گاه برخی از اجزا مفهومی و درونی داستان و نیز کنش و واکنش شخصیتها بدون دلیل، ارتباط یا زمینه سازی خاصی بیان می‌شوند و توجیه نویسنده نیز در موجه ساختن این حوادث کافی نمی‌نماید. برای مثال، گاه فاصله بین تحول بعضی شخصیتها پر نمی‌شود. نمونه این تغییر ناگهانی را در شخصیتهایی چون عمو مراد، داشی، حسین دهقان ودایی سلیم به وضوح می‌توان دید. از دیگر نواقص طرح می‌توان به عدم گزینش یا برجسته‌سازی اطلاعات و نیز بیان روایتی پراکنده و شتابزده در جلد سوم و چهارم اشاره کرد.

داستان با فضایی بومی و درد آلود از زمان زایمان مادر راوی آغاز می‌شود. پلات داستان از اوج یک حادثه شروع می‌شود - از جیغهای ممتد مادر در هنگام زایمانی دشوار - و به تدریج به دنبال خود حوادث و شخصیتهای دیگر را با خود همراه می‌سازد.

قهرمان *داستان* (*Potagoinst*) شریف داوریشه است و در مقابل او ضد قهرمانهایی را شاهد هستیم. رابطه‌ای که بین قهرمان داستان و نیروهای مخالف ایجاد می‌شود، *جدال* (*conflict*) داستان را شکل می‌دهد. این کشمکش در سطوح جزئی تر نیز نمود می‌یابد، از جمله کشمکش جسمانی که در این اثر بسیار یافت می‌شود. کشمکش ذهنی در سالهای ابری در اختلافات شخصی یا افتراقهای فکری که مولود اوضاع اجتماعی و سیاسی جامعه است شکل می‌گیرد. بیشتر می‌توان گفت کشمکشها ناشی از اختلافهای جناحی و سیاسی است که غیر از شخصیتهای اصلی در میان شخصیتهای فرعی داستان نیز بسیار دیده می‌شود؛ به عنوان مثال: اختلافهای فکری - سیاسی عمو الفت، دایی سلیم و دایی حامد، بی بی و عمو الفت. هر چند در نهایت این تماس و برخورد آرا و افکار در کنار هم، اندیشه واحدی را به خواننده القا می‌کنند و انسجام ذهنی در داستان حفظ می‌شود. کشمکش عاطفی، جدال درون شخصیت و شورش و التهابی در وجود اوست. در *سالهای ابری* نمودهایی از این کشمکش به چشم می‌خورد؛ به عنوان نمونه، عشق شریف به گیسیا که مدتی درون وی را متلاطم می‌سازد، عشق عمو تراب به زن دست بند به دست و عصبانیت و التهاب درون وی و نیز کشمکشی که در اولین نزاع بین شریف با پدرش در وی ایجاد می‌شود. کشمکش اخلاقی، درگیری و مخالفت داستان با اصول منفی اخلاقی و اجتماعی

جامعه است. راوی همواره با فقر، سیاستهای عوام فریبانه دولت در قبال مردم و ناهنجاریهای موجود در جامعه به مخالفت بر می‌خیزد و این کشمکش همواره در او و بسیاری از شخصیت‌های داستان نمود می‌یابد. در نهایت، اگر میزان این کشمکشها در اثر بررسی شود، دیده می‌شود که جز کشمکشهای بیرونی و کلی در اثر قسمت عمده این درگیریه‌ها - فکری، عاطفی، اخلاقی - در ذهن و کنش شریف در ارتباط با خود، خانواده و جامعه اوست که نمود می‌یابد.

سالهای ابری با فضایی (*Atmosphere*) فقرآلود آغاز می‌شود و فقر ستیزانه ادامه می‌یابد. فضایی اجتماعی، سیاسی و انسان مدار بر داستان حکمفرماست. فضایی نه مه آلود بلکه صریح از دوران زندگی راوی و جامعه او. فضای ایجاد شده خواننده را به دنیای نویسنده می‌برد به کنار آبشورانها، در درون احساس کودکان سرخورده، در دل روزهای هر انسان فقر زده‌ای و فضای زندان نیز خواننده را به زیر شکنجه‌ها می‌کشاند. نویسنده با ترسیم فضای مناسب و ملموس، تأثیر گذاری عمیقی در داستان ایجاد می‌کند.

داستان با لحنی (*Tone*) واقع گرا، رسمی و جدی پیش می‌رود. فضای این لحن در دیالوگها ساده، روان، عامیانه و صمیمی است و در توصیفات حزن آگین، تأثر انگیز و تأثیر گذار. لحن غیراز حضور در صدای نویسنده (راوی)، در گفتار شخصیت‌های داستان نیز پدیدار می‌گردد. نویسنده با گزینش کلمات و بیان هنرمندانه آوای ذهنی آنها به جا و متناسب، شخصیتها و حتی جانداران داستانش را صاحب لحن می‌کند و این امتیازی رمان ساز محسوب می‌شود.

همین طور که پلات داستان به جلو می‌رود، کنجکاو خواننده درباره آینده قهرمان، شخصیتها و چگونگی رخ دادن حوادثی که پیش می‌آید افزون می‌گردد. این مسئله انگیزه‌ای برای ایجاد کشش و حالت تعلیق (*Suspense*) در داستان ایجاد می‌کند. آیا همراه جیغهای مادر فرزندی متولد خواهد شد؟ آیا دایی سلیم بعد از دزدی از کمپانی دستگیر می‌شود؟ عاقبت احزاب، تلاشها و مبارزات مردم چه می‌شود؟ تحصیلات راوی با همه موانع موجود به کجا می‌انجامد؟ گیسیا به عشق شریف چه پاسخی می‌دهد؟ آیا مردی که همسرش همراه مردی دیگر او را ترک کرده بعد از یافتن وی، او را خواهد بخشید؟ هر چند ایجاد هول و ولا در داستان تعمدی و هنرمندانه نیست و این ساختار خاطره گون داستان است که اقتضا می‌کند بعدچه خواهد شد.

درویشیان با خلق صحنه‌های (*Setting*) بومی از شهر کرمانشاه، پرداختی دقیق و جزئی نگر از این مکانها ارائه می‌دهد. وی با اخذ عناصر مکانی بسیاری از کرمانشاه همراه با ذکر نامهای واقعی، توصیف

ریزه کاریها، طرحها و تزیینات و حتی رنگهای آن آثار، حقیقت‌نمایی داستان را افزون می‌سازد و صحنه‌هایی دقیق و واقعی برای طرح خویش می‌آفریند.

داستان سرانجام به گره‌گشایی (*Resolution*) می‌انجامد. سرنوشت بسیاری از افراد تعیین و گره‌هایی که در حوادث آن رخ داده باز می‌شود. هرچند گره‌گشایی کلی در داستان نمود نمی‌یابد، سرنوشت همه شخصیتها تعیین نمی‌شود و خواننده به نوعی حس می‌کند هنوز تا سرانجام حوادث و شخصیتهای داستان فرصت باقی است. وقوع انقلاب و آزادی راوی از زندان، پایان داستان را رقم می‌زند؛ اما همچنان سؤالاتی در ذهن خواننده باقی است و حالت تعلیق که بعد چه؟ در حقیقت پایان پلات، نتیجه عمل آغازین نیست.

وجود بحرانه‌ها، واژگونی وضعیت و موقعیتهای داستان و گره‌افکنی در *سالهای ابری* بسیار نمود می‌یابد؛ هرچند که این بحرانه‌ها، نقطه‌های اوج و فرود و گره‌افکنی و گره‌گشاییها در اثر، نمود هنری و رمانی چندانی ندارند و ساده و گذرا پرداخته شده‌اند.

موضوع (*Subject*) اثر نیز واقعی است: فقرستیزی؛ هرچند این عنوان قادر نیست به تنهایی حجم عظیم موضوعات متعدد و گسترده اثر را در بر گیرد. موضوع *سالهای ابری* مکانهای وسیع، زمان طولانی و شمار زیادی از اشخاص داستانی و حوادث را در بر می‌گیرد. این عوامل، هر نویسنده‌ای را بر آن می‌دارد که از شیوه تصویری برای پرداخت داستانش استفاده کند در حالی که درویشیان از بیان گزارشی بهره می‌گیرد و این خود از ساختار رمانی داستان می‌کاهد.

درون مایه (*Theme*) داستان، فکر اصلی و مسلط در هر اثری است. در *سالهای ابری* «فقر» - مسبب اصلی فساد و تباهی فرد و جامعه - است. درون مایه داستان، درون مایه‌ای اجتماعی است که بیشتر در افکار، عواطف و تخیلات شخصیتهای داستان گنجانیده شده است. این درون مایه غیر صریح و درک و انعکاس دقیق آن از طریق نویسنده باعث تأثیرگذاری بیشتر اثر و ایجاد ارتباطی گرم و صمیمی با خواننده می‌گردد.

داستان دارای زاویه دید شخصی (*personal - point of view*) است که در آن نویسنده از طریق زاویه دید اول شخص موضوع خویش را بیان می‌دارد. درویشیان با انتخاب این زاویه دید، دید محدودتری برای بازگردن داستانش می‌یابد و به همین خاطر صمیمیت بیشتری بین خواننده و راوی ایجاد می‌کند.

بعد از بیان عناصر داستانی *سالهای ابری* در نهایت باید اذعان کرد: *سالهای ابری* ساختاری داستانی دارد؛ اما نویسنده گاه آنقدر در بیان احساسات و عقاید خویش پافشاری می‌کند که گاهی ساختار داستان را

فدای تعهدات ذهنی خود می‌سازد. این مسئله باعث می‌شود انسجام داستانی اثر دچار تزلزل شود. میرعبدینی نیز در این ارتباط درویشیان را نویسنده‌ای می‌داند: «که آنقدر در بند شرح کامل دردها و بی‌سر و سامانیهاست که ژرفنا و تناسب عناصر داستان را فدا می‌کند و توان ایجاد هماهنگی ظریف و مشکلی را که در رمانهای خلاق بین هنر و وظیفه اجتماعی دیده می‌شود از دست می‌دهد.» (میرعبدینی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲۵)

در ادامه به بررسی دیگر عوامل رمان ساز اثر می‌پردازیم. *سالهای ابری* با حضور *شخصیتهای* (*Character*) بسیاری شکل می‌گیرد. *شخصیتهای* زنده، پویا و بی‌تعقید و ابهام با پرداختی ساده و گاه سطحی که اغلب آنها تک بعدی و فاقد زوایای متعدد *شخصیتی* هستند؛ به عنوان مثال شریف ومادر شریف یا بسیاری از *شخصیتهای* فرعی که نویسنده تنها به بخشی از کنش و رفتار آنها پرداخته است. راوی از زاویه دید خود گذشته، حال و خصلتهای *شخصیتهایش* را بیان می‌دارد، گاه نیز آنها به خود واگذاشته می‌شوند تا با گفتار و کردار خود، خواننده را به این شناخت برسانند. راوی به عالم درون و برون *شخصیتهای* وارد می‌شود. درویشیان گاه به تفصیل و به طور عمیق و گاه تنها با شناختی سطحی *شخصیتهای* خود را معرفی می‌کند و به دلیل آن که کمتر به عالم درون *شخصیتهای* نفوذ می‌کند و بیشتر به توصیف و نمایش بیرونی آنها اکتفا می‌کند، خواننده کمتر از حالات روحی و درونی این *شخصیتهای* آگاهی می‌یابد.

برخی از *شخصیتهای سالهای ابری* در ساختار کلی داستان جایگاه و تأثیر خاصی ندارند. همچنین گاه نویسنده با تفصیل به بیان اندیشه، عمل و سخنان *شخصیتهایی* می‌پردازد که در واقع نیاز به چنین توجه و پرداختی ندارند؛ مثل کدویی منش، احمد موش، برخی معلمان مدرسه یا حتی دانش آموزان. *شخصیتهای* دارای شاخصه‌های فردی، ویژگیهای فردیت بخش و ویژگیهای نوعی یا تیپ ساز هستند. آنها دارای خصوصیات روانی و فکری ویژه و منحصر به فردی‌اند که در برابر حوادث، واکنشها و رفتارهای مطابق *شخصیت* خود بروز می‌دهند. شریف با قرار گرفتن در موقعیتهای متفاوت، واکنشهای متفاوتی نیز بروز می‌دهد. در واقع، کنش *شخصیتهای* بیشتر با توجه به نیروی درونی و زیربنای *شخصیتی* آنها نشان داده می‌شود. شریف و لطیف در شرایط نسبتاً همسانی رشد می‌کنند؛ اما واکنشهای ناهمسانی در مقابل وقایع از خود بروز می‌دهند. بی‌بی همواره به شریف القا می‌کند که او در یک روز پاک به دنیا آمده است، پس هیچ‌گاه مرتکب گناه نمی‌شود. در *سالهای ابری*، سرشت افراد بیشتر بر اساس فطرت استوار است تا غریزه، فطرت افراد تغییر ناپذیر است. این حکم در داستان صادق است و در کنشهای آنان مؤثر و این عامل سبب می‌شود که *شخصیتهای* به صورت شکل گرفته در داستان ظاهر شوند.

درویشیان هر چند در شکل گیری شخصیتها بر عامل محیط بسیار تأکید دارد، اما نمی‌تواند از واقعیت وجودی انسان غافل بماند و همه چیز را تحت تأثیر عامل محیط ارزیابی کند. *سالهای ابری* به شکل خاطره گون بیان می‌شود که در نتیجه نویسنده در سطح داستان بیشترین توجه را بر عوامل فردی، برخوردها و کنش و واکنشهای افراد در مقابل یکدیگر معطوف داشته است. درویشیان برای سطح و در عمق مطلب عامل محیط و تأثیر آن را بر پردازش شخصیتها مهم می‌داند و جامعه را در مجموع عامل سعادت یا نگون بختی افراد می‌شناسد. پس در *سالهای ابری* این محیط است که با نفوذ در ذات افراد، شخصیتها را به سوی سرنوشتشان می‌کشاند. با این اوصاف، دیگر تناقضی بین اندیشه اجتماعی - تأکید بر عامل محیطی - درویشیان در عالم واقع و توجه او به عامل وراثت و فرد در اثر وجود ندارد. چون *سالهای ابری* واقعیتی عینی را عریان و بی پرده بیان می‌کند و انسان نیز در عالم واقع جدای از دو عامل ذات و محیط نیست، پس در واقع محیط و ذات بر شکل گیری افراد تأثیر یکسان دارند. هر چند در سالهای ابری عامل سرشت و فطرت افراد در کنشهای شخصیتها نمود بیشتری یافته است که آن نیز به دلیل شاخصه اتوبیوگرافیک اثر است.

یکی از نقاط قوت سالهای ابری - که در واقع یکی از عناصر رمان ساز آن به شمار می‌رود - استفاده از *دیالوگهای (Dialogue)* مناسب، زیبا، صمیمی و متنوع است. درویشیان در داستان از تلفیق گفتگوی مستقیم و غیر نمایشی استفاده کرده است.

زبان و لحن گفتگوها و کاربرد اصطلاحات و تعبیرات بومی در این اثر یکی از عواملی است که داستان را واقعی و عینی تر جلوه می‌دهد و در پرداخت واقعی شخصیتها تأثیر بسیاری دارد. گفتگوها آنقدر زنده، طبیعی و مردمی‌اند که احساس واقعی بودن را به مخاطب خویش القا می‌نمایند. زبان گفتگوها از تنوع بالایی برخوردار است. در داستان هر کس متناسب با خصوصیات جسمی، روحی، خلقی و شایسته با مقام و موقعیت خود و نوع ارتباطش با محیط سخن می‌گوید. سن شخصیتها، موقعیت زمانی که در آن قرار دارند، ویژگیهای فردی و ذاتی، سطح اطلاعات، موقعیت شغلی و تحصیلی، میزان تأثیر پذیری آنان از جامعه و این که از کدام قشر و کدام طبقه جامعه هستند، کجایی هستند، چه تفکرات و سمت و سوی فکری و عقیدتی دارند و... همگی در ساختار زبانی گفتگوها مؤثرند، برای مثال، سخن گفتن و تفکر یک کودک با بزرگسال متفاوت است، یک روشنفکر با یک لات خیابانی و یک معتاد با یک معلم و یا حتی گفتگوهای شخصیتهایی که در یک طبقه و مرحله قرار دارند نیز دارای تفاوتهایی است. اندیشه، تفکر و محتویات ذهنی شخصیتها در زبان و بیان گفتگوهای آنها بازتاب می‌یابد. آنان در حین گفتگو بسیاری از افکار و عقاید خویش را مبادله می‌کنند. بدینسان گفتگوها در داستان وسیله‌ای برای القای

مفاهیم اند. دیالوگها نقش ارزنده‌ای در کلیت داستان ایفا می‌کنند و ویژگیها و ابعاد وجودی شخصیتها را در داستان نمایان تر می‌کنند. در نهایت باید یادآور شد که گفتگوها با وجود اطناب و گاه تکرار، گیرا و جذابند.

زمان یکی از عناصر مهم داستان است. بر اساس تقسیم بندی زمان در داستان از دیدگاه مندنی پور می‌توان زمان را در سالهای ابری از نوع زمان تقویمی دانست: «در داستان این گونه زمان، بستر حلقه‌های حادثه‌های گوناگون است که پیاپی، همخوان با لحظه‌ها سلسله‌شان را پدید آورد.» (ارواح شهرزاد، ۱۳۸۴: ۱۱۴). زمان در *سالهای ابری* در نمایش بیرونی و درونی عناصر داستان منعکس می‌شود. نمایش بیرونی با ذکر تاریخ رخ دادن حوادث، تغییر رنگ محیط، تغییر فضای مکانها و حال و هوای شخصیتها نمود می‌یابد و نمایش درونی نیز با نشان دادن تغییرات در روان، افکار و احساسات افراد به ظهور می‌رسد. صورت اثر *سالهای ابری*، گذر زمان را با پیر شدن اشخاص داستان نشان داده و مسأله پرداختن به شمار عظیم شخصیتهای داستانی را تا حدی حل کرده است.

مکان در داستان محدود به شخص راوی است که با وی حرکت می‌کند، نویسنده مکانهای بسیاری از شهر کرمانشاه، محله‌ها و خانه‌های آن را با ذکر نام و موقعیت واقعیشان به تصویر می‌کشد. علاوه بر مکانهای کرمانشاه، مکانهای بسیاری از شهرستانهای اطراف و شهرهایی دیگر نیز در داستان ترسیم می‌شود.

توصیفات یکی دیگر از شاخصه‌های رمانی *سالهای ابری* است. که به دو دسته است: توصیف طبیعت و فضا و توصیف اشخاص که البته در داستان غلبه با توصیفات طبیعی است. توصیفات نویسنده اغلب متناسب با احساس و تفکر خود وی است. در واقع این یگانگی انسان و طبیعت که در نگرش رمانتیکها «حالت منظره وار ذهن و روح» یعنی هماهنگی محیط طبیعی با حالت روح و ذهن فرد تعبیر می‌شود (فورست، ۱۳۸۰: ۵۳) همواره در توصیفهای طبیعی راوی دیده می‌شود. در *سالهای ابری* تخیل تنها در توصیفات است که نمود می‌یابد و به کلام وی ارزشی ادبی می‌بخشد. البته درویشیان در اثرش از توصیفات صریح و بی پرده نیز بهره می‌گیرد که اغلب در جهت وصف محتوا به کار برده می‌شود.

نویسنده در این اثر برای طرح توصیفات خود، سه عامل شخصیت، مکان و زمان را در کنار هم قرار می‌دهد. داستان در محور زمان حرکت می‌کند. مکان و شخصیتها نیز همراه با آن به جلو رانده می‌شوند. راوی در معرض نقل و انتقالات زیادی قرار می‌گیرد. وارد مکانهای جدیدی می‌شود و در هر مکان شخصیتهای تازه‌ای نیز وارد داستان می‌گردند. راوی با توصیف شخصیتها و مکانهای جدید، محیط تازه را شرح می‌دهد و گاهی اگر شخصیتها با مکانهای قدیمی ذکر شوند، تأثیر زمان بر آنها نیز نشان داده شده

است: «رهگذرها دیگر همانها که بودند نیستند، قیافه‌ها شکسته تر شده، موهای سیاه، خاکستری شده و موهای خاکستری، سفید.» (ج ۳، ص ۱۳۵۲).

نمونه‌های رئالیست و ناتورالیست در سالهای ابری از جهت عینی بودن آنها در زندگی نویسنده و پیوند با احساسات وی - اتوبیوگرافی - و در ترکیب با جامعه او - رمان - به صورتی حقیقی بیان می‌شوند و تأثیر ملموس و بیشتری را بر خواننده بر جای می‌گذارند.

سالهای ابری با رئالیستی اجتماعی شروع می‌شود؛ اما به تدریج با رئالیستی گزارشی ادامه می‌یابد. رئالیستی که تصویر واقعیت نیست، گزارش واقعیت بوده و کوبنده، عریان و تأثیرگذار است. در واقع درویشیان با این اثر از واقعیت، احساس می‌آفریند. وی تاریخ جامعه خود را همراه با شرح حال خویش در آمیخته و واقعیتی از آن عرضه می‌دارد. داستان بیشتر حقیقت گویی است تا حقیقت نمایی. نویسنده بیشتر مایل است حقیقت را بازگو کند تا بخواهد آن را تصویر نماید؛ اگرچه نویسنده در کنار بازگویی واقعیت می‌توانست از خلاقیت هنری بیشتری بهره گیرد.

در زمینه بیان *ناتورالیسم* در *سالهای ابری* باید گفت: درویشیان از واقعیت تابلویی خلق می‌کند؛ تابلویی از واقعیتی عینی و زشت که کام خواننده را تلخ می‌کند. تصویری که عده‌ای آن را نقصان کار نویسنده می‌دانند؛ اما این زشتی که دیده می‌شود زشتی تصویر نیست، زشتی آن چیزی است که تصویر شده است. تصاویر *ناتورالیستی* درویشیان گزنده، هشدار دهنده و آگاه ساز است؛ اما گاهی قلم نویسنده از دایره هنجارها پا فراتر می‌نهد و کلام خود را به حشو می‌آلاید. چیزی می‌نگارد که ضرورتی برای نقل آن نیست و جز مکدر ساختن ذهن خواننده اثر بخشی یا زیبایی بر ساخت داستان نمی‌افزاید. در نهایت باید گفت بیان عناصر *ناتورالیستی* در *سالهای ابری* با توجه به سمت و سوی ذهنی و هدف نویسنده، حضور عناصر آن در زندگی وی و گریز ناپذیر بودن بیان آن در کلامش قابل توجیه است و غیر از این می‌توان آن را یکی از کاستیهای قلم وی به شمار آورد.

سالهای ابری را می‌توان یک اثر سیاسی دانست که نویسنده در آن اجتماع، مردم و فرد (خود نویسنده) را در هم آمیخته و تأثیر و تأثر آنها را بر یکدیگر به تصویر کشیده است. بینش درویشیان، بینشی سیاسی است، از این نظر که بر ساختار فیزیکی و تاریخی جامعه تأکید می‌کند و تضادهای طبقاتی جامعه را نشان می‌دهد. نویسنده با پیشبرد داستان در گستره تاریخ، مسائل سیاسی و بازتاب آن را در میان مردم به نمایش می‌گذارد. درویشیان وقایع تاریخ ساز عصر خویش از شهریور ۱۳۲۰ ه.ش مقارن با جنگ جهانی دوم و نفوذ نیروهای متفقین به کرمانشاه تا انقلاب ۵۷ را به روایت شریف - راوی داستان - بازگو

می‌سازد. هرچند آغاز زمان تاریخی، دوره سلطنت احمدشاه قاجار و سالهای سخت وقحطی زده آن دوره است که از زبان بی بی روایت می‌شود (درویشیان، ۱۳۷۷: ۱۵۸/۱).

تاریخ تنها حکومتها را زنده نگه می‌دارد؛ اما ادبیات مردم را و سالهای ابری نیز سرنوشت مردمی را که تاریخ آن سالها را رقم می‌زنند به تصویر می‌کشد. درویشیان با نگاهی عمیق به مسائل اجتماعی به درون روح جامعه نفوذ می‌کند. روح جامعه بیمار است. فقر ریشه در همه جا دوانیده است و چون گیاهی هرز نفس اعضای ضعیف جامعه را گرفته است. چه کسی مقصر است؟ نویسنده ژرف شناسانه تا زیر لایه‌های استبداد حاکمه را می‌کاود. درویشیان همچون مارکسیستها همواره جنبه اقتصادی جامعه را در نهایت تعیین کننده سایر اجزای جامعه قلمداد می‌کند. وی اختلالات، تضادها و ناهنجاریهای جامعه را مطرح و در نهایت فقر را عامل اصلی مشکلات طبقات فرودست جامعه ارزیابی می‌کند. درویشیان رشد سرمایه داری و فقر را عامل تنزل افراد و تباهی و فساد انسانی و اخلاقی در جامعه می‌داند و با نشان دادن گوشه‌هایی از نتایج این سیاستها به صورتی عمیق و موشکافانه تناقضات پنهان در نظام اجتماعی جامعه خویش را نشان می‌دهد. فقر چگونه شکل می‌گیرد؟ دولت و سیاستهای اوست که فقر را سبب می‌شود. پس راوی به مبارزه با مسبب اول و اصلی می‌شتابد و داستان را در این میان پیش می‌برد. منتقدان ادبی روسیه بر این نظر بودند که «هنر حقیقتاً «مردمی» جوامع سوسیالیستی [هنری است که] به آسانی برای توده‌ها قابل فهم باشد و کلیت هستی گم‌شده آنها را به آنان بازگرداند.» (سلدن، ۱۳۷۲: ۹۹) درویشیان نیز با جستجو در ساختارهای فکری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عصر خویش با زبان ساده و قابل فهم، هنری مردمی خلق می‌کند. درویشیان از تمام بافتهای درهم تنیده اجتماع بهره می‌گیرد تا در کنار زندگی خویش، اثری تأثیرگذار خلق کند. گلدمن معتقد است: «رمان یعنی وقایع نگاری اجتماعی که بازتاب جامعه عصر خویش است.» (دیوتادیه، ۱۳۷۸: ۲۵۸) سالهای ابری نیز بیان کننده وقایع اجتماعی و منعکس کننده جامعه عصر نویسنده است. این الگو برداری از جامعه به همراه طرح زندگی خودمدار نویسنده، می‌تواند بیانگر تلفیق این دو نوع ادبی اتوبیوگرافی و رمان باشد.

سیاست، تاریخ و اجتماع سه جزء لاینفک در کنار هم اند که با تأثیر و تأثر متقابل، بافتی منسجم را شکل می‌دهند. درویشیان نیز در این داستان با شرح و توصیف اجتماع و سیاستهای حاکمه، تاریخ جامعه و عصر خویش را به تصویر می‌کشد و ساختاری مردمی از عصر خویش عرضه می‌کند. در واقع این حضور تاریخ، سیاست و اجتماع در اثر -خارج از بحث ارتباط شریف، شخصیت مرکزی داستان و تأثیر و تأثر آن از این سه حوزه- در دایره بحث رمان گنجانده می‌شود.

در نهایت می‌توان اذعان کرد *سالهای ابری* با فرارگرفتن در قالب ادبی رمان دارای شاخصه‌های قابل قبولی از آنچه ذکر شد، می‌باشد. هرچند ضعفهایی را نیز دربر دارد؛ از جمله: فقدان خلاقیت، شخصیت پردازی ضعیف (تعداد زیاد شخصیتها و عدم پرداخت دقیق آنها)، توصیفات ساده و گاه تکراری، رئالیست گزارشی، صریح و عربان، روایت ساده، زبان نقالانه، طرح افقی، دامنه دار و گسترده، عدم استفاده از تکنیکهای داستانی، ضعف عناصر ساختاری، اطناب در بیان و ... که از ارزش اثر می‌کاهد.

سالهای ابری و اتوبیوگرافی

در تعریف اتوبیوگرافی آمده است: «خود زندگی نامه، شامل نوشته‌هایی است که بیان حالت ذهنی و وضع زندگی نویسنده باشد.» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۲۱۸) یا «شرح زندگی کسی به قلم خود وی» (کادن، ۱۳۸۰: ۹۹). فیلیپ لوژن نیز در تعریف اتوبیوگرافی می‌گوید: «روایت واپس نگرانهٔ منثوری است که یک شخص خاص واقعی از هستی خود می‌کند آن گاه که این شخص بر زندگی فردی خود و به ویژه برداستان شخصیت خود تأکید می‌ورزد.» (دیوتادیه، ۱۳۷۸، ص ۴۰۸) در زندگی نامه، دوره‌های زندگی فرد مورد نظر قرار می‌گیرد و اثر تجسم واقعی نویسنده است. هر چند «حتی وقتی که پیوند نزدیکی بین یک اثر هنری و زندگی خالق آن وجود دارد نباید چنین پنداشت که اثر هنری تقلید محض زندگی است.» (ولک/ وارن، ۱۳۷۳: ۷۸). اتوبیوگرافی شامل نمونه‌هایی است؛ از جمله: واقع گرا، داستانی، روایت خودگرای تأملی و روایت به صورت سیر روحانی.

از نظر بیشاپ، رمان شرح حال گونه به سه دسته تقسیم می‌شود: «الف) رمان شرح حال گونهٔ واقعی که رونویس دقیقی از زندگی واقعی نویسنده است؛ ب) رمان شرح حال گونه نسبتاً واقعی که نویسنده آن را بر اساس بخشی از زندگی واقعی خود می‌نویسد؛ ج) رمان شرح احوال گونهٔ کاملاً داستانی که نویسنده حوادث آن را خلق می‌کند، اما داستان آن را با استفاده از تجربیات حسی و ذهنی واقعی اش می‌نویسد.» (بیشاپ، ۱۳۷۸: ۳۸۲). بر اساس این تقسیم بندی می‌توان *سالهای ابری* را رمان شرح حال گونهٔ نسبتاً واقعی ارزیابی کرد.

از میان نظریاتی که در مورد *سالهای ابری* منتشر شده است برخی از منتقدان در عین حال که این اثر را رمان دانسته‌اند، به بعد اتوبیوگرافیک آن نیز توجه نموده‌اند. از این میان می‌توان به جمال میرصادقی اشاره کرد که در این باره می‌گوید: «رمان چهار جلدی *سالهای ابری*، رمان شرح حال گونهٔ پرحجمی است... در رمان خطی *سالهای ابری* هم از دوران کودکی شخصیت داستان، ماجراهای داستان شروع می‌شود و روایت کننده شرح زندگی خود و خانواده‌اش و حوادثی را که برای او و اطرافیان‌ش اتفاق می‌افتد

و همچنین بعضی از وقایعی را که در زادگاهش کرمانشاه پیش می‌آید با زبان حال روایت می‌کند. از این رو *رمان چهره‌های خود زندگی نامه* را پیدا می‌کند و همین امر، رمان را به وقایع نگاری و شرح حال نویسی نزدیک می‌کند و از ویژگی‌های روایتی و خلاقانه آن می‌کاهد. «میرصادقی، ۱۳۸۲: ۳۴۵». میرعابدینی نیز در مورد این اثر می‌گوید: «تمام سعی نویسنده در این *رمان زندگی نامه‌ای* صرف آگاهی دادن از گذشته به خوانندگانی می‌شود که آن سالها را نگذرانده اند و با آن ماجراها درگیر نبوده اند. *زندگی نامه نویسی* نوعی تاریخ نویسی است. درویشیان نیز از ورای شرح حال شریف داوری‌شده تاریخ معاصر را مرور می‌کند. او در مجلدات چهار گانه *سالهای ابری* چگونگی تحول اجتماعی را با شرح شکل‌گیری شخصیت و عقاید قهرمان اثر در می‌آمیزد...» «میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۱۰۲۱» و دستغیب که از جمله منتقدان این اثر به شمار می‌رود بیان می‌دارد: «*کتاب سالهای ابری* را نمی‌توان رمان شمرد؛ قسمی *خاطره نویسی* است... آنچه بیش از همه در این *سرگذشت نامه* به دیده می‌آید...» «دستغیب، چيستا: ۲۶۲».

در باب بررسی لایه دیگر اثر، نوع دوم و در واقع چهره اصلی *سالهای ابری* باید گفت که این کتاب با داشتن عناصر رمان در طرحی اتوبیوگرافیک، اثری منسجم را شکل می‌دهد. اثری روایی، منشور، با وسعت معین، اما فاقد خلاقیت که آن نیز با در نظر گرفتن جنبه اتوبیوگرافیک اثر موجه می‌نماید.

سالهای ابری روایتی است *خاطره گون* و تصویری از زندگی راوی. در این اثر، نویسنده حدود ۳۰-۴۰ سال از زندگی خود و خانواده اش، جامعه و طبقه حاکمه را به تصویر می‌کشد. وی برای خلق اثر هنری اش از زندگی، باور و اندیشه‌های خود و اجتماع وام می‌گیرد و حوادث را عیناً و آن گونه که هست ترسیم می‌کند: صریح و ساده و البته بدون گزینش. میرعابدینی نیز بر این اعتقاد است: «تلاش نویسنده برای تبدیل زندگی نامه به رمان با توفیق چندانی قرین نبوده است؛ زیرا کتاب او از اصل انتخاب *خاطره‌ها*- برای تبیین مسائل درونی شخصیتها و ایجاز که لازمه و شرط اول ارزش هر رمانی است کمتر بهره برده است.» «میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۱۰۲۳». در واقع باید گفت *سالهای ابری* همچون دفتر *خاطراتی* ورق می‌خورد، به خصوص در جلد سوم و چهارم داستان که نویسنده با روایتی احساسی و دردناک به بیان وقایع نگاری تاریخی و روزشمار زندگی خود می‌پردازد. وی در این بخشها، رویدادها را به شتاب و بدون گزینش و ایجاد طرحی منسجم گزارش می‌دهد. در این بخشها نویسنده بیشتر به سرکوب، اختناقهای موجود و واژدگیهایش در زندان می‌پردازد که البته این گزارشها گریز ناپذیر است، از آن رو که *سالهای ابری* فریاد در گلو مانده نویسنده است. وی در جایی با بغض و جایی همچون این بخشها با صراحت و عریان این صدا را منعکس می‌سازد. همان طور که در بخش رمان نیز ذکر شد رئالیست گزارشی

درویشیان و توصیفات ناتورالیستی آن رنگی اتوبیوگرافیک به اثر بخشیده است. پس با این اوصاف باید گفت در *سالهای ابری*، ساخت داستانی اثر کم رنگ تر و ساخت گزارشی و خاطره گون آن پر رنگ تر جلوه می‌یابد.

در زندگی نامه، عنصری حضور دارد که علت تحریر اثر است. این که چه موضوعی محور قرار گرفته و نویسنده را بر آن می‌دارد که زندگی خویش را به رشته تحریر در آورد. این سؤال در مورد *سالهای ابری* نیز صدق می‌کند که چه چیزی درویشیان را بر آن می‌انگیزد تا *سالهای ابری* را بنگارد؟ در جواب باید گفت: سیاست، انسان گرایی، مبارزه برای خوب زیستن و تغییر نظام حاکمه، مقاومت و دردهای در دل مانده و در کل انگیزه ای آگاه سازنده و اصلاح طلبانه است که *سالهای ابری* را خلق می‌کند. انگیزه شکل گرفتن رمان علاقه به سیاست، هنر یا مذهب و انگیزه ای شخصی نیست بلکه رمان، داستان را در قالب داده‌های اجتماعی و فراتر از فرد در نظر دارد. پس در مورد *سالهای ابری* باید گفت این اثر با در نظر گرفتن انگیزه شخص، بیان روند زندگی نویسنده اش و توجه به فرد از یک سو، اتوبیوگرافی واز دیگر سو با انعکاس واقعیات جامعه و انگیزه آگاهی و حس دردمندی، رمان محسوب می‌شود.

در رمان دو اصل فاصله گذاری بین جهان داستان و واقعیت و نیز عدم حضور نویسنده در متن باید رعایت گردد، اما در اتوبیوگرافی نویسنده ملزم به اجرای این دو اصل نیست. در *اتوبیوگرافی - رمان* نویسنده در متن حضور دارد و این بودن هیچ خللی بر اثر ایجاد نمی‌کند. ما در *سالهای ابری* از همان آغاز ردپای نویسنده را دنبال می‌کنیم و مخاطب فاصله ای بین واقعیت و اثر و نیز نویسنده و راوی احساس نمی‌کند.

یکی دیگر از عناصر اتوبیوگرافیک اثر، خود محوری شخصیت اصلی است. شریف، قهرمان داستان تنها افکار درونی، تخیلات و ذهنیت خویش را بیان می‌کند. مونولوگ که بیان احساسات و افکار در خویشتن است، تنها از زبان شریف در داستان نمود می‌یابد و در دیگر شخصیتها دیده نمی‌شود. درویشیان سعی بر آن دارد تا منطق شخصی و تجربی خویش را به متن القا کند. نویسنده آنچه را دوست دارد به خاطر می‌آورد. او نیز چون شخصیتهای داستان در عقاید خود خلاصه می‌شود. *سالهای ابری* اثری است که غریزی و متصل به احساسات و تجربه نویسنده نوشته شده است و از نبوغ وی سرچشمه می‌گیرد. درویشیان با نشان دادن و بیان گرایشهای ذهنی، ویژگیهای رفتاری و سیرت و خصلت و اندیشه خویش در طول داستان، انسجام ساختاری و محتوایی اثر را حفظ می‌کند.

روایت در *سالهای ابری* دارای ساختار است و از داستان (حوادث) و موجودات (شخصیتها، زمان و مکان) شکل می‌گیرد. در ساختار روایت *سالهای ابری* موجودات - شخصیتها به ویژه و زمان و مکان نیز -

فضای بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند و در نتیجه جنبه داستانی اثر را تحت الشعاع خود قرار داده اند. روایت داستان رنگی نقالانه به خود گرفته است و همین بیان در سراسر داستان گسترده شده است. درویشیان در پرداخت روایت خویش از عنصر گزینش، که یکی از عناصر اصلی روایت است، به خوبی بهره‌نجام داده و در نتیجه پیرنگ داستان به صورت ساختاری گزارشی پیش می‌رود تا داستانی. در نهایت، باید گفت *سالهای ابری* جز در بخشهایی از توصیفات و دیالوگها روایتی گزارشی و توضیحی، در نتیجه اتوبیوگرافیک دارد و در آن دو بخش -توصیفات و دیالوگها، روایتی داستانی.

در این اثر، نگرش نویسنده با دید راوی یکسان است. راوی از آغاز تا انتها تقریباً با یک دید به رویدادها می‌نگرد و طرز نگاه او در طول داستان یکسان می‌ماند. در واقع شناخت، درک، نگرش و دیدگاه وی در طول داستان تغییر نمی‌کند، هرچند زبان و طرز بیان او به گونه‌های متفاوت بیان می‌شود؛ اما دید وی همان دید کاوشگر و ماجراجویانه، نه به صورت خاطره‌ای در ذهن، بلکه به صورتی دقیق و مشخص بازگو می‌شود؛ زیرا نویسنده داستان زندگی خویش را بیان می‌کند و نگاه راوی به شخصیتها و حوادث داستان متعلق به خود نویسنده و واقعی است و در نتیجه مخاطب داستان این را می‌پذیرد. در داستان، من راوی جانشین من مؤلف می‌گردد که در این صورت شخصیتی پایدار - شریف - با یک دامنه دید محدود جایگزین یک گوینده نامریی می‌شود. این جاست که داستان به واسطه این شخصیت پایدار وحدتی نوین و ساختاری منسجم می‌یابد و موجب می‌شود اثر، شکل اتوبیوگرافی به خود بگیرد.

در *سالهای ابری* راوی، قهرمان و مؤلف یکی شده‌اند و باهم شباهت اسمی دارند. علی‌اشرف درویشیان در داستان شریف داوریشه می‌شود. در این جا نویسنده با ایجاد شباهت اسمی بین خود، راوی و قهرمان وجه اتوبیوگرافیک داستان را تقویت می‌نماید.

زبانی که درویشیان برای این اثر به کار می‌برد زبانی روان، ساده، صمیمی و بی‌تکلف است و سرشار از گرمی و احساس شور گفتن به قولی: «زبان نقال است یعنی آمیزهای است از زبان قدیمی و رسمی و زبان رایج و عامیانه، به رویدادهای گذشته گریز می‌زند و به سوی رویدادهای هر روزینه می‌آید؛ وضع خطایی به خود می‌گیرد؛ به افسانه و شعرگویی می‌گراید و باز به سر حکایت می‌رود ...» (دستغیب، مجله چیستا، شماره ۲۶۲) و این زبان به کار رفته نیز وجه اتوبیوگرافیک اثر را تقویت می‌کند.

توصیفات نیز جز مواردی که در بخش رمان ذکر شد، اغلب ساده و تکراری هستند. میر عابدینی در این باره معتقد است: «توصیفهایی از زندگیهای شبیه به هم، رمان را می‌انبارند اما آن را پیش نمی‌برند. توصیفی از پی توصیف دیگر می‌آید بی آن که حرکتی در کار باشد... رمان شکل دفترخاطرات شریف را یافته است و خاطرات تکراری را به دفعات می‌آورد. خانواده بارها منزل عوض می‌کنند و شریف هربار به

تفصیل جریان اسباب کشتی و احوال همسایه‌ها را شرح می‌دهد.» (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۱۰۲۳) اغلب توصیفات نیز در داستان خاطره گون پیش می‌روند و این بارزه نیز عنصر خود زندگی نامه ای اثر را مشخص تر می‌کند.

یکی از عناصر مهم رمان که یکی از ابعاد اصلی آثار روایی داستانی نیز به شمار می‌رود، خلاقیت و خلق دنیای خیالی در اثر است که نویسنده را بر آن می‌دارد که دنیای داستانش را بیافریند. درویشیان جز در وادی توصیف از تخیل بهره نمی‌گیرد. *سالهای ابری* باز آفرینی واقعیت است با بیشترین تطابق. درویشیان در پی تطبیق کامل داستان با عالم واقع است و خود نیز از آن آگاه است: «من نقش تخیل را در خلق یک اثر هنری نفی نمی‌کنم و آن را یکی از تواناییهای عمده یک نویسنده و هنرمند می‌دانم؛ اما واقعیت‌های زندگی چنان مرا احاطه کرده است که فرصتی برای پرداختن به تخیل نداشته‌ام. من حتی تخیل را در خدمت بیان واقعیت‌های زندگی می‌دانم.» (گفتگو با درویشیان، ۱۳۸۰: ۴۲۲). هر چند با قرار گرفتن در نوع مورد نظر اتوبیوگرافی - رمان کمبود تخیل و خلاقیت چیزی از ارزش هنری اثر نمی‌کاهد. انطباق با عالم واقع در برخی اسامی، نام روزنامه‌ها، کتابها، نام مجلات، سینماها و فیلمها، خیابانها و بسیاری از مکانها جلوه می‌یابد. نام و عنوان مکانهایی که در داستان ذکر شده همه منطبق با اصل آن در عالم واقع است. البته امروزه نام برخی از آنان تغییر یافته است که این مکانها نیز اغلب در بافت قدیمی شهر کرمانشاه کنونی قرار گرفته‌اند و توصیفات راوی از این مکانها براساس رخ دادن حوادث داستان است.

چیرگی یک عنصر بر بعد داستانی رمان از ظرافت هنری آن خواهد کاست. در *سالهای ابری* نیز استفاده از فرهنگ و زبان عامیانه، ضرب المثل و شعر چنین تأثیری را بر اثر نهاده است. استفاده از فولکلور و لغات و اصطلاحات عامیانه، میزان وسیعی از داستان را به خود اختصاص داده است. همچنین آوردن اشعار بسیار و گاه طولانی در اثر که به ۵۰ قطعه می‌رسد، کلام را دچار از هم گسیختگی و اطباب ساخته واز جنبه داستانی اثر کاسته و به خاطره گون بودن آن افزوده است. با در نظر گرفتن بعد اتوبیوگرافیک اثر، استفاده از حکایات، اشعار، ضرب المثلها، فرهنگ و زبان عامیانه و... یکی از امتیازات والای آن محسوب می‌شود. این امر *سالهای ابری* را منبعی غنی و سرشار از این شاخصه‌ها معرفی می‌نماید.

پایان داستان نیز پایانی مناسب با ساختار اتوبیوگرافیک اثر است. در خود زندگینامه، کشمکش روایت با مرگ قهرمان داستان پایان نمی‌یابد. در واقع نویسنده تکیه گاه پایانی داستان را نقطه‌ای قرار می‌دهد که هدف و انگیزه‌اش به نتیجه برسد. *سالهای ابری* نیز با خاطراتی از دوران کودکی شریف آغاز می‌شود و با به ثمر رسیدن تلاشهای مبارزاتی چون او خاتمه می‌یابد. در واقع، رمان در جایی به اتمام می‌رسد که

قهرمان داستان به نهایت هدف خویش نزدیک می‌شود نه در نقطه‌ای که مخاطب انتظار دارد که داستان به پایان برسد. خواننده منتظر می‌ماند، گویی هنوز واقعیت‌های زنده در پیش است. درویشیان هنوز به پایان داستان نرسیده است، چون هنوز زندگی اش ادامه دارد؛ در نتیجه *سالهای ابری* اگر به عنوان رمان مطرح شود، رمان از لحاظ پایان در ارتباط با ساختار داستانی دچار عدم تعادل می‌گردد. پس برای آن که پیرنگ اثر از لحاظ زیبایی‌شناسی ارضا کننده باشد باید اثر را خود زندگینامه - رمان در نظر گرفت.

از خصوصیات خود زندگی نامه نوشت، حضور دقیق تاریخ در ارتباط با دوره زندگی شخص است. در اتوبیوگرافی فرد و تاریخ به هم گره می‌خورند، در واقع شخص راوی همراه با برجسته سازی زندگی خویش به تحولات و تکامل تاریخ نیز اشاره می‌نماید. در *سالهای ابری*، تاریخ به صورتی دقیق زندگی راوی را در ارتباط با روزگار وی ترسیم می‌کند در نتیجه ما شاهد انطباق دقیق تاریخ با واقعیت اجتماع و شخص چه در حوادث اصلی و چه در حوادث فرعی هستیم.

درویشیان داستان زندگی خویش را در *سالهای ابری* بیان می‌دارد. در این باره دکتر جانسون معتقد است: «برای نوشتن زندگینامه هر کس، هیچ کس شایسته تر از خود آن کس نیست.» (کادن، ۱۳۸۰: ص ۹۹) درویشیان خود در این باره می‌گوید: «*رمان سالهای ابری* برشهایی از زندگی من است، می‌توانم به جرأت بگویم که در حدود ۹۰٪ از زندگی من و ماجراهایی است که بر من گذشته است.» (گفتگو با درویشیان، ۱۳۸۰: ۴۲۲) و در جایی دیگر می‌گوید: «من ۹۵٪ قصه‌هایم زندگی خودم است» (مصاحبه با درویشیان، سایت اینترنتی نواندیش، ۱۶ شهریور ۱۳۸۱).

ساختار خاطره گون، روایت گزارشی، زاویه دید اول شخص، توصیفات و روایت ساده، صریح و بدون گزینش و فاقد برجسته سازی و گاه تکراری، زبان ساده، روان و صمیمی، تاریخ نگاری و توجه به تجربه‌های روزمره، القاء احساسات و اندیشه‌های خاص نویسنده به متن، حضور نویسنده در متن، دیدگاه فردی و تک بعدی متن، حقیقت‌نمایی و وقایع نگاری اثر و نیز مواردی که در مطالب این بخش ذکر شد و از همه مهمتر انطباق *سالهای ابری* با زندگی نویسنده از جنبه‌های اتوبیوگرافیک اثر محسوب می‌شوند.

قبول *سالهای ابری* به عنوان نوع «اتوبیوگرافی - رمان» ما را بر آن می‌دارد که قضاوت منصفانه‌تری در مورد آن ارائه دهیم و با درکی جامع‌تر و دیدی وسیع‌تر به خوانش و نقد آن بپردازیم.

نتیجه

سالهای ابری از منظر رمان محض از سویی عناصر رمان را دارد و از دیگر سو در این قالب شاخصه‌های قوی و هنرمندانه‌ای ارائه نداده است. *سالهای ابری* از منظر اتوبیوگرافی محض نیز همین نتیجه را در بر دارد. از جهتی برخی خصوصیات اتوبیوگرافی را دارد و از دیگر جهت نویسنده در بیان داستانش از عناصر رمان که در مباحث پیشین ذکر گردید بهره بسیار جسته است.

در *سالهای ابری* هر چند درویشیان بر زندگی شخصی و داستان هویت خویش تأکید دارد، اما سرنوشت انسانهایی را که به نحوی با آنها و زندگیشان در ارتباط بوده است نیز مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد. درویشیان از این تلفیق بهره می‌گیرد تا علاوه بر ترسیم انواع گوناگون مردم و تصویر جامع از زندگی آنان، تضادهای اجتماعی را آشکار سازد. *سالهای ابری* چه از لحاظ فرم و ساختار و چه محتوا، در واقع تلفیقی از دو نوع رمان و اتوبیوگرافی است که با این نگاه، ارزشمندی این اثر در ادبیات کشور نمود بیشتری خواهد یافت و به جایگاهی در خور دست خواهد یافت.

یادداشتها

۱. برخی از نقدهای این اثر عبارت است از:
 میرصادقی، جمال؛ *داستان نویسی معاصر ایران*، نشر اشاره، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۳۴۵-۳۴۸.
 کازرونی، جعفر؛ *آثار علی اشرف درویشیان در بوته نقد*، تهران: انتشارات ندای فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۷۷، صص ۱۰۵-۲۷۴.
- میرعابدینی، حسن؛ *صد سال داستان نویسی ایران*، تهران: نشر چشمه، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۰، صص ۱۰۲۱-۱۰۲۵.
- خندان، رضا؛ «گذر از هزار توی واقعیتها»، *نشریه چیستا*، ۱۵۹-۱۵۸، صص ۷۴۸-۷۵۲.
 دستغیب، عبدالعلی؛ «نقد کتاب سالهای ابری»، *نشریه چیستا*، صص ۲۶۲-۲۷۲.
- و گفتگوهایی با درویشیان:
 گفتگو با علی اشرف درویشیان؛ «تا سانسور نباشد اثری جهانی خلق نخواهیم کرد»، پروین فراهانی، *سایت اینترنتی نواندیش*، شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۱، ۷ سپتامبر ۲۰۰۲.
- گفتگو با علی اشرف درویشیان؛ *روزنامه همبستگی*، ۷۹/۸/۲۴.
- گفتگو با علی اشرف درویشیان؛ «من سیاسی نویس هستم»، *نشریه خرداد* ۱۵/۱۶/۶/۷۹.
- گفتگو با علی اشرف درویشیان؛ *نشریه فتح*، ۷۹/۱/۳.
- گفتگو با علی اشرف درویشیان؛ *نامه کانون نویسندگان ایران*، ناصر وحیدی، صص ۴۰۵-۴۲۵.
- گفتگو با علی اشرف درویشیان؛ *کتاب هفته*، شماره ۱۵۹، یکشنبه ۳۰ آذر ۱۳۸۲.
- گفتگو با علی اشرف درویشیان؛ *مجله کردی رامان*، شماره ۳۶، ۱۹۹۹/۶/۵.

کتابنامه

۱. بیشاپ، لئونارد؛ *درس‌هایی درباره داستان نویسی*؛ ترجمه محسن سلیمانی، تهران: مؤسسه انتشارات سوره، ۱۳۷۸.
۲. درویشیان، علی اشرف؛ *سالهای ابری*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات اسپرک، ۱۳۷۰.
۳. درویشیان، علی اشرف؛ *چون و چرا*؛ چاپ اول، تهران: نشر اشاره، زمستان ۱۳۸۱.
۴. دستغیب، عبدالعلی؛ «نقد کتاب *سالهای ابری*»، چپستا.
۵. دیوتادیه، ژان؛ *نقد ادبی در قرن بیستم*؛ ترجمه مهشید نونهالی، چاپ اول، تهران: انتشارات نیلوفر، پاییز ۱۳۷۸.
۶. رافائل، ماکس؛ *تاریخ رئالیسم*؛ ترجمه م. فرهادی (محمد تقی فرامرزی)، چاپ اول، تابستان ۲۵۳۷.
۷. سلدن، رامان؛ *راهنمای ادبیات معاصر*؛ ترجمه عباس مخبر، چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو، بهار ۱۳۷۲.
۸. فورست، لیلیان؛ *رمانتیسیم*؛ ترجمه مسعود جعفری، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۹. فورستر، ادوارد مورگان؛ *جنبه‌های رمان*؛ ترجمه ابراهیم یونسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۶۹.
۱۰. کادن، ج.ای؛ *فرهنگ ادبیات و نقد*؛ ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ اول، تهران: نشر شادگان، زمستان ۱۳۸۰.
۱۱. گلدمن، لوسین؛ *نقد تکوینی*؛ ترجمه محمد قی غیائی، چاپ اول، انتشارات بزرگمهر، ۱۳۶۹.
۱۲. گورکی، ماکسیم؛ *داشکده‌های من*؛ ترجمه علی اصغر هلالیان، چاپ دوم، بی نا، بی تا.
۱۳. لوکاج، جورج؛ *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*؛ ترجمه اکبر افسری، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی (انتشارات آموزش و انقلاب اسلامی)، ۱۳۷۳.
۱۴. _____؛ *جامعه‌شناسی رمان*؛ ترجمه محمد پوینده، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۱.
۱۵. مقدادی، بهرام؛ *فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۸.
۱۶. مندنی پور، شهریار؛ *کتاب ارواح شهرزاد*؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۴.
۱۷. میرصادقی، جمال؛ *داستان نویسه‌های نام آور معاصر ایران*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات اشاره، ۱۳۸۲.
۱۸. _____؛ *عناصر داستانی*؛ چاپ اول، تهران: انتشارات شفا، ۱۳۶۷.
۱۹. میرعابدینی، حسن؛ *صد سال داستان نویسی ایران*؛ چاپ دوم، تهران: نشر اشاره، تابستان ۱۳۸۰.
۲۰. نامه کانون نویسندگان؛ «گفتگو با علی اشرف درویشیان»؛ تهران: انتشارات آگه، ۱۳۸۰.
۲۱. ولک، رنه / وارن، آویستن؛ *نظریه ادبی*؛ ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۲۲. مصاحبه با علی اشرف درویشیان، پروین فراهانی؛ «تا سانسور باشد، اثری جهانی خلق نخواهیم کرد»؛ *سایت اینترنتی نواندیش*، شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۸۱، ۷ سپتامبر ۲۰۰۲.

۲۳. مانستکی، لوکاچ و... (جمعی از نویسندگان)؛ *درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات*؛ گزیده و ترجمه محمد جعفر پوینده، چاپ اول، انتشارات نقش جهان، بهار ۱۳۷۳.
۲۴. Cudden, J.A: *literary terms*، چاپ اول، انتشارات نیما، چاپ اول،